

بسم الله الرحمن الرحيم
تلاش در خانه حضرت زهرا سلام الله علیها

محمد حسن زنگونی

احد انگیزه

هم سر پیرمردی فقیر، از او خواست شانه‌ای برایش بخرد تا موهایش را سرو سامانی دهد. پیرمرد با شرمندگی گفت: نمی‌توانم بخرم، حتی بند ساعتم پاره شده و در توانم نیست بند جدیدی بخرم.

پیرزن لبخندی زد و سکوت کرد. پیرمرد فردای آن روز ساعتش را فروخت و شانه‌ای برای همسرش خرید.

وقتی به خانه بازگشت، با تعجب دید که همسرش موهایش را کوتاه کرده و بند ساعت نو برای او گرفته است.

اشک‌ریزان همدیگر را نگاه می‌کردند. اشک‌هایشان برای این نبود که کارشان هدررفته بود، بلکه برای این بود که همدیگر را به یک اندازه دوست داشتند و هرکدام به دنبال خشنودی دیگری بود. به یاد داشته باشیم عشق و محبت به حرف نیست، باید به آن عمل کرد ایثار کرد و از سختی‌ها گذشت.

زندگی بزرگان مملو از این مهر و محبت همسران است نمونه این خانواده پرمهر خانواده علامه طباطبایی است:

در روزهایی که علامه در سوگ همسرش محزون و متأثر بود و اشک فراوانی از دیدگان بر گونه‌ها جاری می‌ساخت، یکی از شاگردانش سبب این همه آشفتگی و ناراحتی علامه را از این بابت جویا شده بود، استاد به این شاگرد پاسخ داده بود: «مرگ حق است، همه باید بمیریم، من برای مرگ همسرم گریه نمی‌کنم، گریه من از صفا و کدبانوگری و محبت‌های خانم است، من زندگی پرفرازونشیبی داشته‌ام، در نجف اشرف با سختی‌هایی مواجه می‌شدم، من از حوائج زندگی و چگونگی اداره آن بی‌اطلاع بودم، اداره زندگی به عهده خانم بود.

در طول مدت زندگی ما، هیچ‌گاه نشد که خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم، کاش این کار را نمی‌کرد یا کاری را ترک کند که من بگویم کاش این عمل را انجام داده بود. در تمام دوران زندگی هیچ‌گاه به من نگفت چرا فلان عمل را انجام دادی؟ یا چرا ترک کردی؟ مثلاً شما می‌دانید کار من در منزل است و همیشه مشغول نوشتن یا مطالعه هستم، معلوم است خسته می‌شوم و احتیاج به استراحت و تجدید نیرو دارم، خانم به این موضوع توجه داشت، سماور ما همیشه روشن بود و هر ساعت یک فنجان چای می‌ریخت و می‌آورد در اتاق کار من می‌گذاشت و دوباره دنبال کارش می‌رفت تا ساعت دیگر... من این همه محبت و صفا را چگونه می‌توانم فراموش کنم»^۱.

۱. علامه سید محمدحسین طباطبایی، مجموعه مفاخر ایران زمین، جلد ۹، مرکز آموزش سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران، چ اول ۱۳۸۵

یکی از عوامل تکامل خانواده‌ها، که سبب شادی و نشاط واقعی در منزل می‌شود تلاش و ایثار برای یکدیگر است. اما قدم اول در رسیدن به تکامل تعیین حدود و مسئولیت‌هاست اینک زن و مرد، کارهایی را که با ویژگی‌های جسمی و روحی آنان هماهنگ است به عهده گیرند و از کارهایی که با استعداد و توانمندی شان ناهماهنگ است، پرهیز نمایند. پس از این که حد و حدود تعریف شد ایثار و تلاش در مسیر خود معنای در ست پیدا کرده و زندگی را به تکامل نزدیک می‌کند چه بسا تلاش‌هایی که زندگی مشترک رخ می‌دهد اما چون در غیر مسئولیت است سبب جا ماندن از وظایف اصلی شده و خانواده افتان و خیزان به جلو می‌رود. همچنان که بسیاری از بانوان در بیرون منزل در شغل خود گماشته‌اند که به شدت در حال کار و تلاش‌اند اما این تلاش بیرون خانه گاهی آنان را از وظایف اصلی خود که امور تربیتی نسبت به فرزندان است باز می‌داد قطعاً تلاش آنان در بیرون از منزل مصداق تلاش در غیر جایگاه و وظیفه خود است.

تقسیم‌کار در منزل

تقسیم‌کار با علی علیه‌السلام

در این باره بهترین الگو، زندگی حضرت علی علیه‌السلام و فاطمه زهرا علیهما‌السلام می‌باشد. امام باقر علیه‌السلام فرمودند: «حضرت فاطمه علیها‌السلام کارهای منزل را این‌گونه با حضرت علی علیه‌السلام تقسیم کرد: خمیر کردن آرد، نان پختن، تمیز کردن و جارو زدن خانه، به عهده فاطمه باشد و کارهای بیرون خانه، مانند: جمع‌آوری هیضم و تهیه مواد اولیه غذایی به عهده علی علیه‌السلام باشد. که این تقسیم‌کار، با رهنمود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام گرفت. آنگاه که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: کارهای داخل خانه را فاطمه علیها‌السلام و کارهای بیرون منزل را علی علیه‌السلام انجام دهد، حضرت زهرا علیها‌السلام با خوشحالی فرمود: «فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِأَكْفَائِي رَسُولَ اللَّهِ تَحْمِلَ رِقَابِ الرِّجَالِ؟» جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم‌کار تا چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت.»

تقسیم‌کار با فضا

حضرت زهرا علیها‌السلام مانند دیگر زنان جامعه کار می‌کرد، گندم را با آسیاب دستی آرد کرده، نان می‌پخت، کار روزانه را انجام می‌داد. تا آنجا که دست‌های مبارکش زخمی شد خود حضرت زهرا می‌فرمایند: «قَدْ مَجَلَّتْ يَدَايَ مِنَ الرَّحَى، لَيْلَتِي جَمِيعاً أُدِيرُ الرَّحَى حَتَّى أَصْبَحَ وَأَبْوَالِحَسَنَ يَحْمِلُ حَسَنًا وَحُسَيْنًا؟» هر دودستم در اثر آرد کردن با آسیاب دستی

۲. قرب الإسناد، ص ۲۵ و بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱.

۳. بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۴ و ۸۵ و ۱۳۴؛ کنز العمال، ج ۱۵، ص ۵۰۷، مسند احمد بن حنبل ج ۶، ص ۲۹۸

زخم شده است، دیشب تا به صبح آسیاب می‌کردند و ابوالحسن، حسن و حسین را به دوش داشت.» در عین حال، کارهای خانه آنقدر زیاد و طاقت‌فرسا بود که خدمتکاری به نام فضه گرفتند و به‌طور مساوی کارهای منزل را با وی تقسیم کردند.

سلمان می‌گوید: روزی دیدم باز فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیه خود آسیاب می‌کند، عرض کردم: چرا خود را به زحمت می‌اندازید در حالی که فضه در کنار شماست؟ حضرت فرمود: «أَوْ صَانِي رَسُولِ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ الْخِدْمَةُ لَهَا يَوْمًا وَلِيَّ يَوْمًا فَكَانَ أَمْسَ يَوْمٍ خِدْمَتِهَا وَالْيَوْمَ يَوْمٌ خِدْمَتِي؛ پیامبر خدا به من توصیه فرمود که کارهای خانه را با وی تقسیم کنم: یک روز برای او یک روز برای من. دیروز روز خدمت وی بود و امروز روز خدمت من است.»

مقام معظم رهبری درباره اهمیت کار زن در منزل می‌فرماید: «وظایف داخل خانه زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش کمتر است. خیلی کار پرزحمتی است، خیلی کار ظریفی است. برخی فکر می‌کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کارخانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست؛ بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سرپا نگه دارد.»

حضرت زهرا علیها السلام چنان به همسر گرامی خود علاقه‌مند بود و با آن حضرت همدلی داشت که بعد از وقایع تلخ ماجرای سقیفه و فدک که دل زهرا علیها السلام را شکستند و به خانه‌اش حمله کردند، آنگاه که حضرت علی علیه‌السلام وارد منزل شد و فرمود: «فاطمه جان، آن دو نفر در پشت در اجازه ملاقات می‌خواهند؟ نظرت در این باره چیست؟ حضرت با آن همه خون‌دلی که خورده بود، باکمال تواضع فرمود: «الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَّةُ زَوْجَتُكَ أَفْعَلُ مَا تَشَاءُ؛^۵ علی جان، خانه توست و من همسر تو هستم؛ هر آنچه می‌خواهی انجام بده.»

زندگی سخت سیده زنان عالم

زندگی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها علیرغم اینکه فرزند رسول خدا بود اما سختی‌های خاص خود را داشت این سختی‌ها در مدت عمر کوتاه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها ادامه داشت اما روحیه شکرگزاری در ایشان همیشگی و تا آخرین لحظات ایشان را از وظایفشان باز نداشت. تا جایی که در واپسین روزهای زندگی بچه‌ها را نظافت نموده و امور مربوط به خانه را شخصاً پیگیری می‌نمود. همین ایثار و وفاداری به وظایف است که پس از شهادت حضرت سلام‌الله‌علیها، امیرالمؤمنین در رثای همسر خود فرمود: «بِمَنْ الْعَزَاءُ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ؟ كُنْتُ بِكِ أَعَزُّى فَفِيمَ الْعَزَاءِ مِنْ بَعْدِكَ؟^۶ با چه کسی آرامش یابم ای دختر محمد؟ من به وسیله تو تسکین می‌یافتم؛ بعد از تو با چه کسی آرامش یابم؟

۴. مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۵۰؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶.

۵. کتاب سلیم بن قیس، ص ۸۶۸، ح ۴۸.

۶. رحمانی همدانی/ فاطمه الزهرا بهجه قلب مصطفی/ ص ۵۷۸/ به نقل از مجمع الروایه

امیرالمؤمنین درباره دنیا می‌فرمایند: دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَ بِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ؛ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَلَا يَسْلَمُ نَزَائِلُهَا؛ أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ تَارَاتٌ مَتَصَرِّفَةٌ؛ الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَ الْأَمَانُ مِنْهَا مَعْدُومٌ؛ وَ إِنَّمَا أَهْلُهَا فِيهَا أَعْرَاضٌ مُسْتَهْدَفَةٌ، تَرْمِيهِمْ بِسِهَامِهَا وَ تَفْنِيهِمْ بِحِمَامِهَا؛^۷ دنیا خانه‌ای است پیچیده به بلا، و معروف به خیانت. احوالش پایدار نمی‌ماند، و اهلش جان سالم به درنبرند. حالاتی است گوناگون، و نوبت‌هایی است متغیر. زندگی در آن ناپسند است، و امنیت در آن نایاب. مردمش آماج تیر بلایند، که تیرهایش به سوی آنان نشانه می‌رود، و با مرگ نابودشان می‌کند.»

بیان این سختی‌ها از آن جهت حائض اهمیت است که اولاً زنان ما بدانند به‌صرف ایمان قرار نیست زندگی دنیای ما بهشت روی زمین گردد بلکه مشکلات همواره وجود دارد و شاید شرایط بدتر از دیگران باشد و ثانیاً روحیه شکرگزاری، صبر بر سختی‌های زندگی و اطلاعات پذیری از مدیر زندگی به تبعیت از حضرت زهرا تقویت گردد. چراکه بسیاری از طلاق‌ها به واسطه توقع بالا از زندگی و سختی‌های زندگی اتفاق می‌افتند که با تقویت روحیه قناعت و صبر در مشکلات قابل حل است.

از طرفی به یاد داشته باشیم دین‌داری مصائبی به همراه دارد گله کردن از اینکه فلان خانواده افراد لایبالی هستند و وضع زندگی‌شان بهتر از ماست چرا باید این‌گونه باشد؟، ناشی از همین تفکر اشتباه است که به‌صرف دین‌داری وضع زندگی باید بهترین وضع و هیچ مصیبتی به زندگی نرسد و حال آنکه بلا در دنیاگرد خانه مؤمنین بیشتر می‌گردد و این یک اصل است که ساری و جاری است از همین جهت مصائب بعد انقلاب گاهی با بعد انقلاب قابل مقایسه نیست چراکه انقلاب داعیه اسلام دارد و مصائبش بیشتر است.

الف - یتیمی

حضرت زهرا در کودکی مادر را از دست داد، رنج دوری مادر برای ایشان بسی دردناک و غمبار بود پس از آنکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از سفر حجة الوداع بازگشتند، دچار بیماری سختی شدند که خبر از وفات قریب‌الوقوع ایشان می‌داد. مطابق با روایات موقعی که وفات پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نزدیک گردید آن حضرت به قدری گریست که محاسن مبارکش تر شد. گفته شد: یا رسول‌الله! چرا گریه می‌کنی؟ فرمود: برای ذریه و فرزندانم و آن ستم‌هایی که از ستمکاران امتم بعد از من به ایشان می‌رسد، می‌گیرم. گویا می‌بینم دخترم فاطمه زهرا بعد از من مظلوم واقع شده، هر چه صدا می‌زند: یا آبتاه! احدی از امت من به فریاد او نمی‌رسد. وقتی فاطمه اطهر سلام‌الله‌علیها این مطلب را شنید، گریان شد. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به وی فرمود: ای دختر عزیزم! گریان مباش! حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها عرض کرد: پدر جان! من برای

^۷ نهج البلاغه خطبه ۲۲۶

ظلم‌هایی که بعد از تو خواهیم دید گریه نمی‌کنم، بلکه به علت مفارقت تو اشک می‌ریزم. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای دختر محمد! مژده باد تو را! زیرا تو اولین کسی هستی که زودتر از همه در میان اهل بیت به من ملحق خواهی شد.^۸

امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرماید: فاطمه زهرا به قدری برای پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله گریه کرد که اهل مدینه متأذی شدند و به وی گفتند: تو ما را به علت کثرت گریه ناراحت کردی، یا شب گریه کن یا روز! لذا فاطمه سلام‌الله‌علیها از مدینه خارج می‌شد و روی قبر شهدا گریه می‌کرد.^۹

ب- سختی‌های مربوط به خانه‌داری:

روزی از روزها حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد به انتظار بلال به سر می‌بردند که بیاید و اذان بگوید. بلال با اندکی تأخیر به مسجد آمد. حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: چرا دیر کردی؟

عرض کرد: هنگام آمدن به مسجد خدمت حضرت فاطمه علیها‌السلام رفتم، او مشغول آرد کردن بود و فرزندش حضرت حسن علیه‌السلام نزد آسیاب روی زمین قرار داشت. گفتم: یا فاطمه علیها‌السلام! کدام یک از پیشنهادهای مرا قبول داری؟ یا من بچه را نگاه‌دارم و شما آسیاب کنید و یا برعکس.

فرمود: من به فرزند مهربان‌ترم و بهتر می‌توانم کار بچه‌داری را انجام دهم. آنگاه آسیاب را گرفتم و آرد کردم؛ و این بود علت تأخیر من.

با توضیح فوق معلوم می‌شود زندگی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها زندگی ساده‌ای نبود. هم فرزندان نیاز به مراقبت دارند و هم همسری که در میدان‌های نبرد در حال تلاش است نیاز به حمایت و مراقبت دارد. از طرفی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها سیده زنان اهل عالم است و کسی از زنان به شرافت و بزرگی او نیست اما با وجود چنان فضایی و چنین موقعیتی باز حضرت از تلاش در خانه دست نمی‌کشد.

این بهترین الگو برای ایفای نقش مادر و توجه به نیاز عاطفی فرزند و انتخاب صحیح در تخصیص و بهینه‌سازی اقتصادی است؛ چراکه با این کار حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها توجه به رضایت خاطر و مطلوبیت فرزند شیرخوارش را بر ادامه کار منزل ترجیح داد که نتیجه این تلاش‌ها، پرورش منابع و سرمایه‌های انسانی است؛ آن‌گونه که همین فرزندان در جهت برقراری عدل و داد و عدالت اجتماعی و اقتصادی و ... از تربیت و تعلیم کامل بهره‌مند شدند و جامعه را نیز رهبری نمودند.

^۸. سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۲، ص ۲۵۱

^۹. بحار الانوار، جلد ۴۳، ص ۳۵

یادآور می شویم که تقسیم کار به این معنا نیست که فعالیت زن منحصر در خانه است، بلکه زن می تواند با توجه به مدیریت و سازماندهی صحیح در امور خانواده و با محاسبه مطلوبیت حاصل از اشتغال همچون؛ خستگی ناشی از کار در منزل و بیرون از منزل، مخارج و ... علاوه بر بالا بردن سطح فعالیت های اجتماع در زمینه های مختلف به بودجه خانوار نیز کمک نماید.

آن وظیفه که زن نباید از آن دست بکشد و تمام فعالیت های زن باید تحت الشعاع آن قرار گیرد خانه داری است که اعم از شوهرداری و فرزند پروری است.

ج- خانه استیجاری

حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دارای خانه مسکونی نبودند، از این رو حضرت علی علیه السلام ابتدا محل سکونت همسرش را در اتاقی که یکی از انصار در اختیارش نهاده بود و خود نیز پس از هجرت در آن ساکن بود قرارداد. پس از مدتی دو زوج جوان به خانه حارثه بن نعمان که در محله بنی نجار قرار داشت و به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک بود منتقل شدند تا اینکه حجره ای در کنار حجره پیامبر صلی الله علیه و آله برای آنان ساخته شد و تا پایان زندگی خانوادگی شان در آنجا ساکن بودند. وضعیت ساختمانی این خانه که در اختیار حضرت علی علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها قرار گرفت خانه مسکونی مجلی نبود، بلکه اتاقی گلین بود که سقف آن را با چوب خرما و حصیر پوشانده و آن را گل اندود کرده بودند. فاصله سقف آن از کف به اندازه ای بود که دست به راحتی به سقف می رسید. آری این بود کلبه حضرت زهرا سلام الله علیها که از صفایش تور خدا جلوه گر بود. خداوند در قرآن پیرامون معنویت و فضیلت ایشان فرموده: یعنی در خانه هایی (چون خانه انبیاء) خدا رخصت داده که آنجا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تقدیس ذات پاک او کنند. وقتی این آیه نازل شد، ابوبکر از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: آیا خانه حضرت فاطمه و حضرت علی علیه السلام از این خانه ها است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بله، خانه آنان از با فضیلت ترین این خانه ها است.^{۱۰}

د- پرستاری بیمار

یکی از میدان های حضور حضرت زهرا سلام الله علیها غزوه احد است. جایی که در آن بیش از هفتاد نفر از مسلمانان راستین از جمله حضرت حمزه سید الشهداء علیه السلام به شهادت رسیدند. همچنین در این نبرد پی شانی مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله شکافته شد و دندان مبارک ایشان شکست. پیکر امیرالمؤمنین علی علیه السلام که تنها مدافع رسول خدا

۱۰. ریحانة النبی صفحه ۱۰۹ - فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر، ص: ۶۲۷ - زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام / ترجمه اعلام الوری، متن، ص: ۱۰۳

صلی‌الله‌علیه‌وآله در این نبرد بود، نیز سراسر پرزخم و خون بود. زمانی که آتش جنگ فروکش کرد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها به همراه سایر زنان بنی‌هاشم و مسلمان به کمک مجروحان آمدند. در روایات تاریخی آمده است که: هنگامی که حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها چهره پر از خون پدر را مشاهده کردند، خون‌ها را از رخسار پدر، پاک نمودند درحالی که امیر مؤمنان علیه‌السلام با سپر خویش آب می‌ریختند و فاطمه سلام‌الله‌علیها را یاری می‌کردند. آن حضرت چون دید جریان آب و شستشو، خونریزی را بیشتر می‌کند به همین جهت در پی چاره‌اندیشی خویش تکه حصیری آورد و آن را با شرایط خاصی سوزانید و خاکسترش را بر روی زخم‌ها نهاد تا خون بازایستد و چنین شد که خون بند آمد.^{۱۱} همچنین در تاریخ نقل شده است که حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها در غزوه احزاب برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نان و غذا می‌برد^{۱۲} و در فتح مکه نیز حضور داشته و به پدر و همسرش کمک می‌کرد.^{۱۳} امیرالمؤمنین یک مرد جنگی بود و بعد از هر جنگ بدون زخم به منزل بر نمی‌گشت و تنها پرستار زخم‌های علی علیه‌السلام همسرش زهرا بود.

ه - تهی‌دستی

از روایات و گزارش‌های تاریخی مشخص می‌گردد که زندگی این زوج با سختی و البته صبر ایشان در برابر این سختی‌ها همراه بوده است. به‌عنوان نمونه روایت شده است که علی علیه‌السلام دچار تهی‌دستی شدیدی شد. حضرت فاطمه علیها السلام برای این موضوع به حضور رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مشرف شد. هنگامی که دقّ الباب نمود، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: من احساس می‌کنم که حبیبه‌ام پشت در باشد، ای امّ ایمن برخیز بین کیست؟ وقتی امّ ایمن در را باز کرد و فاطمه زهرا داخل شد، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به وی فرمود: زمانی نزد ما آمدی که هیچ‌وقت نمی‌آمدی؟! گفت: یا رسول‌الله! غذای ملائکه نزد خدای ما چیست؟ فرمود: گفتن الحمدلله. گفت: غذای ما چیست؟ فرمود: سوگند به حقّ آن خدایی که جان من در دست قدرت اوست مدت یک ماه است که آتش در خانه ما روشن نشده (یعنی غذای پختنی نخورده‌ایم) ولی من آن پنج کلمه‌ای را به تو یاد می‌دهم که جبرئیل به من تعلیم داده است.

گفت: کدام پنج کلمه یا رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله؟

فرمود: بگو: یا رب الاولین و الاخرین، یا ذو القوّة المتین، و یا راحم المساکین، و یا ارحم الراحمین.

فاطمه پس از شنیدن این کلمات مراجعت نمود، وقتی چشم حضرت امیر علیه‌السلام به وی افتاد، گفت: پدر و مادرم به فدایت چه خیر آوردی؟

۱۱. فاطمه زهرا سلام الله علیها از ولادت تا شهادت، محمدکاظم قزوینی؛ ص ۱۶۸

۱۲. ذخائر العقبی، ص ۴۷

۱۳. واقعی، المغازی، ج ۲، نشر دانش اسلامی، ص ۸۳

گفت: من به منظور کار دنیا رفتم، ولی با توشه‌ای اخروی بازگشتم.

علی علیه السلام دومرتبه فرمود: برایت خیر باشد.^{۱۴}

و- فرزند آوری

فرزند و تربیت فرزند اگرچه در روایات اسلامی بسیار تکریم شده است اما این بزرگداشت‌ها منافی زحمت و سختی فرزند آوری و تربیت فرزند نیست. اصلاً اگر این سختی و مشکلات نداشت که این همه اجر نداشت و اگر بنا باشد بهشت را به بها بدهند، بها بهشت فرزند آوری همان زحمت‌ها و مشکلاتش است.

حضرت زهرا سلام الله علیها نیز با آنکه در سن پایین ازدواج کرد بلافاصله حامله گردید و فرزندان تربیت کرد که اشرف فرزندان عالم‌اند. حضرت سختی‌های فرزند آوری و دوران حمل را متحمل شد، سختی بزرگ کردن این فرزندان را به دوش کشید با آنکه فرزند رسول خدا بود و اشرف زنان عالم لقب داشت.

ازدواج حضرت سلام الله علیها در سال دوم هجری رخ داد. برخی در ماه رمضان و برخی در ذی‌الحجه و برخی در رجب گفته‌اند. مسعودی در مروج الذهب تاریخ ازدواج علی با فاطمه سلام الله علیها را سال دوم هجرت دانسته و مشهورترین قول در این باره اول ذی‌الحجه سال دوم هجرت است.

حضرت فاطمه سلام الله علیها در سال پنجم بعثت به دنیا آمد و شش ساله بود که مادرش حضرت خدیجه سلام الله علیها را از دست داد. آن حضرت در سال دوم هجرت با علی علیه السلام ازدواج کرد. بنابراین سن حضرت زهرا سلام الله علیها هنگام ازدواج با علی علیه السلام حدود ده سال بوده است حضرت علی علیه السلام در سیزده رجب سال ۳۰ عام‌القیل متولد شد. ده ساله بود که پیامبر در چهل سالگی به پیامبری مبعوث شد و سیزده سال همراه پیامبر در مکه و شعب ابی طالب به سر برد و دو سال بعد از هجرت با فاطمه سلام الله علیها ازدواج کرد، بنابراین ۲۵ ساله بود.

بی‌شک هیچ زندگی در عالم، ثمره‌اش پر بارتر و گران‌بهارتر از زندگی این دو بزرگوار نیست. ثمره این زندگی درخت امامت است. امیرالمؤمنین و حضرت زهرا سلام الله علیها صاحب سه پسر و دو دختر شدند. فرزندان این دو بزرگوار عبارت‌اند از: امام حسن علیه السلام دومین امام شیعیان که در سال سوم هجرت به دنیا آمدند. امام حسین علیه السلام سومین امام شیعیان که در سال چهارم هجرت به دنیا آمدند. حضرت زینب سلام الله علیها که در سال پنجم هجری به دنیا آمدند. و حضرت ام‌کلثوم سلام الله علیها که در سال ششم هجری پا به عرصه گیتی نهاد.^{۱۵}

حضرت محسن علیه السلام نیز اولین شهید راه ولایت که بر دلیل ضربه که به حضرت زهرا سلام الله علیها وارد شد، ایشان در شکم مادرشان سقط شدند و به شهادت رسیدند.

^{۱۴} زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۵۶۵ و ۵۶۶

^{۱۵} ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۰۰؛ دخیل، اعلام النساء، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۸

بسیاری از بانوان جامعه ما به دلیل سختی فرزند آوری و تربیت، عطای این اجر عظیم را به لقای زحمت و دردان می‌بخشند و حال آنکه حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها با حداقل فاصله ممکن فرزندان را تربیت نمود که سرآمد و فخر و شرف عالم شدند.

حال که بحث بدین جا رسید خوب است نکاتی پیرامون جایگاه فرزند آوری در روایات دینی بپردازیم:

فرزند آوری در آموزه‌های دینی

آموزه‌های اسلامی، ایجاد جامعه توحیدی و گسترش آن را هدفی بزرگ برمی‌شمرد و فرزند آوری و افزایش نسل صالح را شاهراه تحقق آن معرفی کرده، از فرزند به‌عنوان «ولی» یاد می‌کند. در قرآن کریم درباره فرزند، بحث استثنایی حضرت زکریا علیه‌السلام آمده است که به پروردگارش عرضه داشت: «قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُ مِنِّي وَآلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا»^{۱۶} گفت: پروردگارا! همانا استخوان از (بدن) من سست شده و (موی) سر هم از (سپیدی) پیری می‌درخشد و هرگز در دعایم از تو - ای پروردگام - محروم نبوده‌ام و من از عموزادگانم پس از خویش بیم دارم (که جان‌شینانی بد با شند) و هم سرم از ابتدا نازا بوده، پس مرا از جانب خویش جان‌شینی ارث‌بر عطا کن که از من و اولاد یعقوب ارث ببرد! و ای پروردگار من، او را (از نظر کمالات معنوی) پسندیده قرار ده.»

فرزندان؛ عامل تداوم مهر و محبت

وجود فرزند یکی از عواملی است که موجب حفظ کانون خانواده و تداوم زندگی مشترک می‌گردد؛ چرا که فرزندان، سپر حمایتی را در برابر طلاق والدین فراهم می‌کنند.

مطالعات نشان می‌دهد که طلاق در بین خانواده‌های بدون فرزند، بیش‌تر است.^{۱۷} فرزندان نشانگر نوعی سرمایه‌گذاری اجتماعی - عاطفی در خانواده می‌باشند که وجود آنها موجب تحکیم روابط زناشویی می‌شود. با عدم یا کمبود این نوع سرمایه‌گذاری، امکان بروز و رشد طلاق در جامعه افزایش می‌یابد. علاوه بر این، همچنان که ازدواج، دو شخص را به هم پیوند می‌دهد و آنها را در اجتماعی به نام خانواده ادغام می‌کند، فرزند نیز به‌مثابه موادی است که مابین آنها ساختمان خانواده را مستحکم‌تر می‌کند.

۱۶. مریم / ۴ - ۴.

۱۷. بنگرید به مقاله «بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی طلاق»، دکتر محمد قدسی، دکتر اسماعیل بلالی و دکتر سعید عیسی‌زاده، نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان، پاییز ۱۳۹۰ ش، شماره ۵۳.

هنر بزرگ زن و میزان شخصیت او را می‌توان از چگونگی بچه‌داری او تشخیص داد؛ چراکه سلامت روحی و جسمی فرزند، درگرو بچه‌داری درست مادر است. شرایط جسمی و روحی افراد و اینکه آنان در این باره در چه وضعیتی می‌باشند، نموداری است که اندازه تلاش، زحمت، دلسوزی، فرهنگ و اندیشه مادر را آشکار می‌سازد.

در حقیقت، خوشبختی واقعی مادران در پرورش فرزندان سالم و صالح می‌باشد. و پرواضح است که رساندن فرزندان به چنین فرجامی، کاری دشوار و طاقت‌فرسا است که تنها زن می‌تواند از عهده آن برآید. به تعبیر مقام معظم رهبری: «بعضی از کارهای خانه خیلی سخت است. شما هر کاری را در نظر بگیرید که خیلی دشوار باشد، در مقابل بچه‌داری در واقع آسان است. بچه‌داری هنر خیلی بزرگی است. مردها یک روز هم نمی‌توانند این کار را انجام دهند. زن‌ها با دقت، باحوصله و باظرافت این کار بزرگ را انجام می‌دهند. خدای متعال در غریزه آن‌ها این توان را قرار داده است.»

عواملی که داشتن فرزند را با کاهش طلاق به هم مرتبط می‌کند عبارت‌اند از:

۱. مادر و پدر، خود را مسئول رفاه و آسایش فرزندان می‌دانند، لذا با پذیرش تداوم رابطه ناخوشایند زناشویی، از به خطر افتادن و کاهش رفاه و آسایش فرزندان، دوری می‌کنند در حالی که روزی دست خداست.^{۱۸} که خداوند فرمود: **وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا**؛ هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید (زنده به گور مکنید) که ما رازق آنها و شما هستیم، زیرا این قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است.
۲. سرپرستی و نگهداری فرزندان از جنبه‌های مختلف برای هر یک از والدین به تنهایی سخت و طاقت‌فرسا است و حال آنکه خدا ولی و سرپرست مومنان است: **«بَلِ اللّٰهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ»**^{۱۹}
۳. زوج‌هایی که فرزند ندارند و تصمیم به فرزند دار شدن نیز نمی‌گیرند، نسبت به تداوم رابطه زناشویی خود مطمئن نیستند، درحالی‌که وجود فرزند و افزایش تعداد آن، احتمال وقوع طلاق و جدایی والدین را کاهش می‌دهد؛ زیرا نبود یا کم بودن تعداد فرزندان در خانواده‌ها، تعلق و دل‌بستگی روابط زناشویی را کم‌رنگ می‌کند.

رضایتمندی از زندگی

وضعیت زندگی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها این‌گونه سخت بود، سختی‌ها از ابعاد مختلف دنیوی آن وجود داشت اما کانون خانواده همواره گرم و مهر و محبت و ایثار موج می‌زد و این مرهون رضایتمندی از زندگی است.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در وصف زندگی شان با حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها می‌فرماید: به خدای سوگند که در همه عمر زندگی مشترک، هرگز به فاطمه سلام‌الله‌علیها خشم نگرفته و هرگز او را به کاری وادار نساختم... و او نیز به من هرگز خشم

^{۱۸} . إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ؛ ذاریات، آیه ۵۸.

^{۱۹} . آل عمران / ۱۵۰

نگرفت و در هیچ کاری مرا نافرمانی نکرد. او به گونه‌ای بود که هرگاه به او می‌نگریستم غم‌ها و اندوه‌هایم زدوده می‌شد.^{۲۰}

علی علیه‌السلام که اسوه صبر و استقامت است اما در شهادت حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها تأثر و تألم خود را اظهار می‌دارد تا آنجا که بعد از دفن همسر گرامی‌اش در حالی که حزن و اندوه تمام وجود او را فراگرفته بود خطاب به قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عرضه داشت:

«خدا چنین خواست که او زودتر از دیگران به رسول خدا بیبوندد، پس از او شکیبایی من به پایان رسیده و خویشتن‌داری ازدست‌رفته، اما آن‌چنان‌که در جدایی تو صبر کردم در مرگ دخترت نیز جز صبر چاره‌ای ندارم، شکیبایی بر من سخت است. پس از او آسمان و زمین در نظرم زشت می‌نماید و هیچ‌گاه اندوه دلم نمی‌گشاید. چشمم بی‌خواب و دل از سوز غم سوزان است. تا خداوند مرا در جوار تو ساکن کند. مرگ زهرا ضربه‌ای بود که دل را خسته و غصه‌ام را پیوسته کرد و چه زود جمع ما را به پریشانی کشانید... اگر بیم چیرگی ستمکاران نبود، برای همیشه اینجا [کنار قبر زهرا علیه‌السلام] می‌ماندم و در این مصیبت بزرگ چون مادر فرزند مرده، اشک از دیدگانم می‌راندم.»^{۲۱}

گزینه

همه سختی‌های زندگی حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها یک‌طرف، مصائب ۷۵ یا ۹۵ روز آخر یک‌طرف. همه غم عالم در آن روزها بر زهرای مرضیه فرود آمد، داغ از دست دادن پدر، غم شکستن شکوه امیرالمؤمنین و درخطر افتادن دین پیامبر، در کنار همه این هتک حرمت‌ها و تعرض‌ها به بیت اهل‌بیت علیهم‌السلام، دردهای جسمی ناشی از ضرب و شتم حضرت و سقط محسن شش‌ماهه حضرت، وجود داشت که حضرت را از بین برد.

در این ایام برای محسن بن علی علیهما‌السلام ناله و نوحه می‌کنیم، درحالی‌که در عمل خودمان محسن بن علی‌ها را به قتل می‌رسانیم. سنت زشت کم کردن جمعیت با سقط‌جنین عملاً پیروی از رفتار همان کسانی است که با کشتن محسن بن علی یک سوم از سادات بنی فاطمه علیها‌السلام را کم کردند. این جماعت امروز می‌خواهند باکم کردن از شیعیان و پیروان فاطمه سلام‌الله‌علیها، به قوت گرفتن دشمن کمک کنند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^{۲۲} از مردم محبت اهل‌بیت را خواست ولی مردم در جبران رسالت پیامبر، درب خانه دخترش را به آتش کشیدند و محسن بن علی سقط شد. همان پیامبر از ما کثرت جمعیت خواست و فرمود: «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^{۲۳} مبادا ما هم در پاسخ به پیامبر، با شعار طاغوتی «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و با آمار روزانه بیش از

۲۰. بحارالانوار، ج ۴۳

۲۱. اصول کافی/ ج ۱/ ص ۱۵۹.

۲۲. سوره شوری - آیه ۲۳

۲۳. جامع الأخبار، جلد ۱، صفحه 101

۱۰۰۰ سقط امت او را به قتل رسانیم. آیا در این رفتار مطیع پیامبر هستیم یا تابع دشمنانش؟ مبادا در سخن شیعه اهل بیت باشیم و در عمل باکم کردن جمعیت شیعیان، در زمره دشمنان اهل بیت باشیم.

روضه

امشب شب روضه عمومی نشکفته سادات حضرت محسن ابن علی است یابن الحسن، آقای ما، مولای ما!! شما که جریان به آتش کشیدن خانه جدتان امیر المومنین جلوی چشمتان است و مطمئناً این ماجرای دردناک را دیدید برای ما روضه خوان باشید، آقا جان معذرت می‌خواهم که این‌گونه سخن می‌گویم:

آن فرقه که زهرای جوان را کشتند ناموس خدای مهربان را کشتند

با کشتن محسن پسرش یک‌سوم سادات جهان را کشتند

در کتاب ارشاد القلوب نقل شده است که فاطمه فرمود: "هیزم بسیار به در خانه ما آوردند تا خانه و اهلش را بسوزانند من پشت در ایستاده بودم و آن قوم مهاجم را به خدا و رسولش سوگند می‌دادم که دست از ما بردارند و ما را یاری نمایند، عمر تازیانه را از دست قنفذ غلام آزاد شده ابوبکر گرفت و با آن بر بازویم زد و اثر آن چون رگه‌های بازوبند در بازویم باقی ماند آنگاه لگد به در زد و در را به طرف من فشارداد در این هنگام به صورت بر زمین افتادم در حالیکه فرزندی در رحم داشتم، آتش زبانه می‌کشید و صورتم را می‌سوزاند او با دستش مرا می‌زد گوشواره‌ام قطع و پراکنده شد، درد مخاض مرا فرا گرفت، محسنم بیگناه سقط و کشته شد." اما اگر اینجا در خانه امیر المومنین را این بی‌حیاها به آتش نمی‌کشیدند کربلا کسی جرات نمی‌کرد خیمه‌های اهل بیت امام حسین را به آتش بکشد.

بابا ببین که مادر، خورده زمین پشت در پاشیده روی دیوار، خون از پهلوی مادر

صدای آه مادر، میون آتش و دوده گمون کنم برای، پهلوشکستنش بوده

یه عمره تو مدینه، بابا خونه نشینی آخه مادر چرا گفت، یا فضا خذینی

اینجوری که میخ توی، پهلوی مادر خورده گمون کنم که بابا، دیگه داداشم مرده

زینب دلش میسوزه، بابا اشکات رو پاک کن دور از چشای مادر، داداش محسن رو خاک کن